

علیه سرمایه

تربیون کارگران ضد سرمایه داری

شماره ۶۱ / اردیبهشت ۱۴۰۱

جنبش شورائی خود را ضد سرمایه داری کنیم

تا وقتی کارگریم اوضاع همین خواهد بود

پلاستیک و میکرو پلاستیک در بدن انسان و سایر

موجودات زنده (ادامه)

چه چیزی در مبارزات ما غایب است؟

موج افسار گسیخته گرانی و فقر

به یاد رفیق کارگر سلمان یگانه در سیزدهمین سالروز

سفر ابدیش

رابطه افزایش مزد و قیمت‌ها

جنبش شورائی خود را ضد سرمایه‌داری کنیم



کارگران ضد سرمایه‌داری / اردیبهشت ۱۴۰۱

بسیاری از کارگران می‌پرسند، شورا چیست؟ جنبش شورائی چه ویژگی‌هایی دارد؟ تفاوت آن با سندیکا و احزاب در کجاست؟

کارگر، انسانی ساقط از دخالت در سرنوشت کار، تولید و زندگی خود است. سرمایه‌داری او را پیچ و مهره مطیع و بی‌اراده تولید سود می‌سازد. کارگران با هم کار می‌کنند، با هم استثمار می‌شوند، همراه هم توسط سرمایه از هستی ساقط می‌گردند. برای هر میزان تغییر وضع حاضر خود مجبور به اعتراض متحد و همدل هستند. پیوند شورائی و هم‌رزمی شورائی، از درون همین مشترکات بیرون می‌آید. متشکل شدن شورائی طبیعی‌ترین و در دسترس‌ترین شکل اعتراض توده‌های کارگر است. کارگران، شورائی متشکل شدن خود را از هیچ منبع اعتقادی، تئوری سیاسی یا باور مسلکی استخراج و اتخاذ نمی‌کنند. مبارزات شورائی بطور صاف و ساده همین است که در گوشه گوشه جهنم سرمایه‌داری ایران حضور دارد. اما آنچه در جنبش شورائی، تعیین‌کننده است جنس پیکار کارگران، ماهیت سرمایه‌ستیز مبارزات کارگران است.

مبارزه سرمایه‌ستیز یعنی اینکه کارگر بودن و فروش نیروی کار را تقدیر زندگی خود نبینیم، حال و آینده خود را به مزدبگیری نیاویزیم، خواستار تسلط کامل همه‌آحاد انسانها بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود باشیم. خواهان نقش‌بازی فعال و برابر همه انسانها در تعیین چه تولید شود، چه تولید نشود، چه میزان تولید گردد، چه کاری لازم است یا لازم نیست، باشیم. شالوده‌شورا و جنبش شورائی بر دوری توده کارگر از آویختن به قانون، نظم و نهادهای قدرت سرمایه، اتکاء به حضور دخالتگر و نافذ همه‌آحاد کارگران، دوری‌گزیدن از هرگونه رهبرتراشی و نیروی بالای سر استوار است. این نوع سازمانیابی، نیازمند صدور هیچ مجوز، آئین‌نامه، اساسنامه و مرامنامه و رهبر و لیدری نمی‌باشد. سندیکاسازی و حزب‌بازی زیر هر نام و با هر بیرق، ظرف این کار نیستند، هیچ سنخیت، مناسبت و موضوعیتی در این‌گذر ندارند. اتحادیه و سندیکا فقط دکانی برای خرید و فروش مبارزه طبقاتی توده‌های کارگر است و احزاب در بهترین شرایط ابزار جایگزینی شکلی از نظام بردگی مزدی با شکل دیگر می‌باشند.

تا وقتی کارگرم اوضاع همین خواهد بود



بهرام دزکی / اردیبهشت ۱۴۰۱

طبق آمار بانک جهانی، حاصل کار سالانه طبقه ما در حوزه صنعت، کشاورزی، معدن، آموزش، درمان، بنادر، نفت و گاز، حمل و نقل، راه و ساختمان، شیلات، هتل و رستوران، فروشگاه، آب و برق، مخابرات یا هر کجای دیگر دهها هزار تریلیون تومان است و جمع دستمزدهای سالانه کل توده های طبقه ما حدود یکصدم این ثروت است. ثروتی که سرمایه بخش خصوصی و دولتی می شود. در نظام سرمایه داری، در نظام کار مزدی، اینکه چه چیزی تولید شود، به چه مقدار، در چند ساعت و با چه شدتی همه در ید قدرت سرمایه است. طبقه ما، طبقه کارگر، هیچکاره تولید و کاریم و از هرگونه دخالتگری انسانی در تعیین سرنوشت کار و تولید و زندگی خود محرومیم. این مشکل اساسی و بنیادی ما است. تا کار مزد بگیری هست در بر این پاشنه می چرخد. سندیکاها، احزاب از چپ و راست، دیندار و لاییک، سلطنت طلب، مشروطه-چی و جمهوریخواه اهل برانداختن رابطه خرید و فروش نیروی کار نیستند و صرفا آرزوی به قدرت رسیدن و حکومت بر ما در سر دارند. مشکل ما با برچیدن کارمزدی حل می شود. برای این کار باید توسط شوراهای ضد سرمایه داری خود دست به کار شویم. باید به جای چرخ خوردن حول افزایش دستمزدها، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و این قبیل کارها ریل مبارزه جاری را عوض کنیم. صریح و قاطع و شفاف اعلام داریم که ما مزد نمی خواهیم، حاصل کار و تولید خود را می خواهیم. می خواهیم خودمان، چه تولید کنیم، چه تولید نکنیم، چه میزان تولید نماییم را تعیین کنیم. باید تسلط سرمایه و رسم مزد بگیری را برانداخت. با تصمیم گیری شورایی آزاد و برابر همه آحاد جامعه تعیین کنیم که چه میزان این کار و تولید صرف رفاه، آموزش، بهداشت، درمان، آبادانی، بهسازی محیط زیست، ارتقاء سطح تولید، تکامل ابزار کار، انجام پژوهش ها، توسعه دانش ها، نگهداری سالمندان، پرورش کودکان و مسائل دیگر گردد.

***** برقرار باد جامعه شورایی بدون کار مزدی *****

ادامه

سازمان (Environmental Investigation Agency) در ۱۹ ژانویه سال ۲۰۲۲ هشدار داد که آلودگی ناشی از پلاستیک یک مشکل عاجل جهانی است که حل آن نیازمند معاهده جدی سازمان ملل است. "سازمان تحقیقات محیط زیستی" (EIA) در گزارش خود استدلال می کند که آلودگی پلاستیکی تقریباً معادل مشکل تغییرات آب و هوایی و اقلیمی است. سازمان مربوطه که بودجه کلانی دارد در گزارش خود نظیر سایر سازمان های بین المللی دولت های سرمایه هیچ اشاره و ابدا هیچ گونه منبعی برای معرفی آن چه که خود «مشکل تغییرات اقلیمی» می نامد ذکر نمی کند. اما همین سازمان بخوبی و به روشنی می داند که این مشکل چرخه سرمایه نیست چرا که تولید پلاستیک نظیر کلیت سرمایه فقط سود برای سرمایه داران ایجاد می نماید و مشکل تغییرات چیز دیگری سوای آن است، در یک کلام این مشکل توده های میلیاردری کارگران جهان است که خود می بایست چاره ای برای آن بیاندیشند!! این سازمان در گزارش خود تاکید می کند که در حال حاضر هوایی که تنفس می کنیم حاوی ذرات بسیار ریز پلاستیکی است و ذرات پلاستیکی به داخل خاک، مواد غذایی و حتی پوشش یخی قطب شمال راه یافته اند. برای مثال گزارش می شود که حدود ۲۰ فیل در تایلند بعد از خوردن آشغال حاوی پلاستیک در یک محل دفع زباله جان باخته اند. نویسندگان این گزارش کشورها را ترغیب می کنند تا با یک معاهده سازمان ملل شامل اهداف الزامی برای کاهش تولید و دور ریختن پلاستیک موافقت کنند. تام گمچ از سازمان تحقیقات محیط زیستی گفت: "اگر این موج فزاینده آلودگی بی رویه ادامه پیدا کند، پلاستیک ریخته شده به دریاها تا سال ۲۰۴۰ شاید از وزن کل ماهی های اقیانوس ها بیشتر شود." سازمان ملل "تغییر اقلیم"، "نابودی تنوع زیستی" و "آلودگی" را سه تهدید وجودی برای محیط زیست شناسایی کرده و نتیجه گیری کرده است که برای حل آنها باید یک جا اقدام کرد. توافق نامه های چندجانبه در زمینه مقابله با نابودی تنوع زیستی و تغییر اقلیم تقریباً ۳۰ سال است که وجود دارد، اما در متوقف کردن روند

تصادد دی اکسید کربن یا حفاظت جهان طبیعی موثر نبوده است. ایده معاهده ای مختص مقابله با آلودگی پلاستیکی در سال های اخیر با مخالفت برخی کشورها روبرو شده. اما گفته می شود بیش از ۱۰۰ کشور از جمله بریتانیا از پیشنهادی که قرار است در مجمع بعدی محیط زیست سازمان ملل در ماه های فوریه و مارس مطرح شود حمایت می کنند. جو بایدن رئیس جمهور آمریکا اعلام کرده که کشورش از توافق جهانی حمایت می کند، در حالی که دونالد ترامپ رئیس جمهور قبلی با آن مخالف بود. با این حال معلوم نیست او بتواند نظر کنگره را جلب کند، چون بیشتر مواد پلاستیکی از نفت و گاز تولید می شود که این کشور تولیدکننده آنهاست. گفته می شود ژاپن برای محدود کردن اهداف چنین توافقی تلاش می کند. کشورهای عرب خلیج فارس و چین هم تاکنون سکوت کرده اند. چین بزرگترین تولید کننده "پلاستیک بکر" (پلاستیکی که برای اولین بار از مواد نفتی تولید شده) است. با این حال گفته می شود آمریکا و بریتانیا بزرگترین تولیدکننده های زباله پلاستیکی در ازای هر نفر جمعیت هستند. آقای گمچ هنگام انتشار این گزارش گفت: "ماهیت مشهود آلودگی پلاستیکی باعث نگرانی جدی عموم شده است اما بخش قریب به اتفاق آلودگی پلاستیکی نامشهود است." "خسارت ناشی از تولید بی رویه پلاستیک بکر غیرقابل جبران است - این تهدیدی برای تمدن انسانی و توانایی بنیادی سیاره برای حفظ یک محیط قابل زیست است. خطری که دارد تقریباً به اندازه تغییر اقلیم جدی می شود." ریچارد تامپسون از دانشگاه پلیموت، کارشناس ارشد پلاستیک، به بی بی سی گفت که معاهده سازمان ملل باید بر چرخه کامل حیات مواد پلاستیکی متمرکز باشد. او گفت: "مشکل زیربنایی در غیرقابل دوام بودن میزان تولید و مصرف ریشه دارد." "حمایت از سیاست هایی که فقط استفاده از پلاستیک 'بازیافت شدنی' را تشویق می کند موثر نخواهد بود مگر آنکه زیرساخت های بومی برای جمع آوری، جداسازی، و بازیافت موثر این مواد پلاستیکی وجود داشته باشد." ظاهر همه چیز حکایت از این دارد که گویا مدیران سرمایه، دولتمداران، اندیشمندان پر نفوذ انستیتوهای سرمایه نگران تبدیل شدن آلودگی پلاستیکی به دومین آلودگی محیط زیستی اند. اما این دورغ بزرگ را اینان بارها در تمامی موارد تخریبات محیط زیستی سرمایه بخورد ما توده های کارگر داده اند. آن چه آن ها نگرانند توقف، اخلال و مورد سوال قرار دادن هر چند ناچیز تولید سرمایه و در این مورد معین تولید پلاستیک است. روند گردش سرمایه و تولید سرمایه مقدس ترین بنیان این نظام است و هیچ کارگری حق مورد سوال قرار دادن آن را ندارد. کارگر انسانی است که نیروی کارش را می فروشد، با فروش نیروی کار از دخالت در تعیین سرنوشت تولید و زندگی خود ساقط می شود. دولت های سرمایه پاسدار این نظام اند و به ما کارگران می گویند حق دخالت در امور مقدس تولید از آن سرمایه داران، دولت سرمایه و پارلمان سرمایه داری است. اگر می خواهید حرفی در این رابطه بزنید دست به کار

ایجاد سندیکا و اتحادیه، حزب و منحل شدن در اپوزیسیون انواع احزاب شوید، دسته ها و گروه های پاک سازی محیط زیست راه اندازید و خلاصه ابزار انحلال قدرت طبقاتی کارگری را هر چه وسیعتر فراهم نمایید!! همزمان تخریبات محیط زیستی روز بروز زندگی کارگران جهان را درهم می پیچد، امراض می آفریند و کشتار می کند. به این ترتیب جنگ طبقاتی ما کارگران را به چالش کشیده اند. اما قدرت جنگ طبقاتی توده کارگر فقط در جنبش سازمان یافته شورائی، سراسری و ضد سرمایه داری او متجلی میشود و اعمال می گردد. این قدرت در هیچ ظرف دیگری امکان به صف شدن ندارد. سرنوشت طبقه کارگر جهانی به چگونگی خروج از این بن بست گره خورده است. چالشی که در صورت پیروزی می تواند تا وسیع ترین اثرگذاریها بر کل جنبش کارگری جهانی پیش تازد. ما می بایست سرنوشت زندگی، کار و تولید را در دست خود بگیریم. از این بن بست، فروماندگی رقت بار توده های کارگر، از عدم بازشناسی قدرت تاریخساز پیکار طبقاتی خود و احساس عجز از سازماندهی شورائی ضد سرمایه داری و سراسری این قدرت بیرون آییم. طبقه کارگر بدون شکستن این سد قادر به انجام هیچ کار مهمی نیست و آماج تهدید تمامی سناریوهای سیاه فاجعه بار تاریخی است. جنگ ما شاید پیروز شود و شاید شکست خورد اما حتی شکست این جنگ سنگ بنای پیروزی آتی پرولتاریا خواهد بود.

به شمه ای از آخرین دستاوردهای نظام آدم کش سرمایه پردازیم.

در ۲۳ مارس ۲۰۲۲ پژوهشگران برای اولین بار میکروپلاستیک را در خون انسان پیدا کردند. آن ها در گزارش خود در ژورنال Environment International می نویسند که از هر ده آزمودنی هشت نفر در خون خود میکروپلاستیک داشتند. دیک و تاک، استاد اکوتوکسولوژی در دانشگاه آزاد آمستردام، می گوید دلایل کافی برای نگرانی وجود دارد. سوال اساسی این است که در بدن چه اتفاقی می افتد. آیا ذرات در بدن باقی می مانند؟ آیا آنها به اندام های خاصی منتقل می شوند، مثلاً از طریق سد خونی مغزی؟ و آیا سطوح آن به اندازه ای بالاست که باعث بیماری شود؟ این پژوهش بر اساس تجزیه و تحلیل نمونه های خون ۲۲ اهداکننده ناشناس است که همگی بزرگسالان سالم هستند بدست آمده. میکروپلاستیک ها در خون ۱۷ نفر از آنها یافت شد. نیمی از نمونه های خون حاوی پلاستیک PET بود که از آن بطری های پلاستیکی ساخته می شود، کلا ذرات، Polyethylene terephthalate polyethylene and polymers of styrene (polystyrene, expanded polystyrene, acetonitrile butadiene styrene etc.), polymethyl methylacrylate

یک سوم ذرات یافت شده حاوی پلی استایرن است که برای ساخت کیسه های پلاستیکی استفاده می شود. محققان از فناوری استفاده کردند که امکان تشخیص ذرات ۰/۰۰۰۷ میلی متر (۷۰۰ نانومتر) یا بزرگتر را در خون انسان فراهم می کند. این مطالعه در مجله Environment International منتشر شده است. غذا و نوشیدنی: میکروپلاستیک ها قطعات پلاستیکی کوچکی هستند که اندازه آنها به پنج میلی متر می رسد. آنها در لوازم آرایشی و به عنوان مواد اولیه در صنعت پلاستیک استفاده می شوند، اما همچنین زمانی که محصولات پلاستیکی بزرگتر خرد می شوند، تشکیل می شوند. میکروپلاستیک ها در سرتاسر جهان پراکنده شده اند و حتی در بالای قله اورست نیز پیدا شده اند. به خوبی شناخته شده است که انسان ها میکروپلاستیک ها را از طریق غذا و نوشیدنی می بلعند. طبق یک مطالعه ۵۰۰۰۰ قطعه ریز پلاستیک برای هر نفر بطور متوسط در سال می بلعد. در این مطالعه بر روی مجموعه کوچکی از اهداکنندگان، میانگین مجموع غلظت قابل سنجش ذرات پلاستیک در خون ۱/۶ میکروگرم بر میلی لیتر بود که اولین اندازه گیری غلظت جرمی جزء پلیمری پلاستیک را در خون انسان را نشان می دهد. این مطالعه نیز نشان می دهد که ذرات پلاستیکی کاملاً قابلیت جذب به جریان خون انسان را دارند.



چه چیزی در مبارزات ما غایب است؟



کارگران ضد سرمایه داری / اردیبهشت ۱۴۰۱

طبقه ما در گوشه گوشه جهنم سرمایه داری ایران در حال اعتصاب، اعتراض و شورش است. اما تا به حال نه فقط نتیجه ای نگرفته ایم که هر روز بیش از روز پیش اسیر فقر، بی داروئی، آلودگی های زیست محیطی، کار کودکان، زن ستیزی و کل بدبختی های دیگر زاینده سرمایه داری شده ایم. ما بیش از یک قرن است که بارها بزرگترین شورش ها و قیام ها را سازمان داده ایم، دست به انقلاب زده ایم، اما در مجموع فقط عقب نشسته ایم و متحمل فاجعه بارترین شکست ها شده ایم. کارنامه مبارزات ما نشان می دهد که یک جای اساسی کار می لنگد. ریشه کل این شکست ها بسیار روشن است. ما علیه شدت استثمار سرمایه داری و علیه آنچه سرمایه برسرمان می آورد اعتراض می کنیم اما علیه اساس موجودیت سرمایه داری دست به هیچ کاری نمی زنیم. نمی شود اساس موجودیت این نظام را قبول داشت و آنگاه بر آن شد تا با اعتصاب و قیام و تغییر دولت ها و حکومت ها از شر نکبت و سیه روزی های این نظام رهایی جست. اگر قرار است نتیجه بگیریم، مجبوریم چند نکته بسیار حیاتی و سرنوشت ساز را مد نظر قرار دهیم.

۱- چرا مطالبات خویش را از سر تمکین و تسلیم به موجودیت و بقای سرمایه داری طرح می کنیم؟! طبق آمار منتشره از سوی خود جمهوری اسلامی از هر ۱۲۰۰۰ تومان ارزشی که می آفرینیم فقط یک هزار تومان نصیب ما می گردد!! محدود ساختن مبارزه طبقه خود به پرداخت مردهای موقه و تطابق این مزد با «نرخ تورم» به این معناست که سرمایه داری مجاز است نرخ استثمارهای ۱۲۰۰ درصد را بر ما تحمیل کند. زمانی که از نظام سرمایه داری تقاضا می کنیم تا به ما حق اعتصاب و تشکل دهد، برابری میان زن و مرد عطا نماید، آلودگی های محیط زیست را برطرف سازد، کار کودک را غیرقانونی اعلام دارد، آزادی پوشش دهد، بهداشت و دارو و درمان ما را تضمین کند، آزادیهای سیاسی ما را ارج نهد، حقوق مدنی ما را احترام گذارد، هنگامی که کل اینها را از سرمایه داری و دولتش مطالبه می کنیم، وقتی برای توافق حاکمان سرمایه با این خواست ها مقابل مجلس جمع می شویم، راه پیمائی می کنیم یا به اعتصاب و مبارزه متوسل می گردیم، تمام این کارهای ما این معنا را دارد که به نظام

بردگی مزدی می گوئیم موجودیت و بقای تو برحق است!! حال با قبول این که به اساس هستی و باقی بودنت اعتراضی نیست، حق زنده ماندن و درمان و دارو یا مقداری رفاه هم می خواهیم!!

پاسخ سرمایه داری به این جنبش کاملاً روشن بوده است. سرمایه داری می خواهد ماندگار باشد و شرط اساسی این ماندگاری تبدیل حاصل کار توده های کارگر به سرمایه انبوه تر و کهکشانی تر است. معیشت و دارو و درمان و محل سکونت و نفس کشیدن و همه مسائل دیگر مطلقاً مشکل سرمایه نیست. سرمایه کارگر را فقط استثمار نمی کند، در همه عرصه های حقوق، فرهنگ، مذهب، آداب و رسوم، مسائل مربوط به جنسیت، قومیت و تمامی وجوه هستی بشر تسلط خود را می گسترد، در همه این حوزه ها به شیرازه حقوق، امکانات رشد جسمی و فکری و آزادی های انسان حمله ور می شود. سرمایه، سازمان پلیسی، امنیتی و نظامی خود را می سازد و این ماشین را ابزار سرکوب مبارزات کارگران می گرداند. سرمایه از درون تمامی اینها ماندگاری و بقای خود را بر کارگران تحمیل می کند. پاسخ سرمایه این است و سرمایه داری درست از لحظه پیدایش تا امروز با توده کارگر دنیا چنین کرده است. تناقض دقیقاً همین جاست. اینکه از نظام سرمایه داری می خواهیم که لطف کند و حواسش به غذا و پوشاک و داروی فرزندان ما هم باشد!!

۲- طبقه ما نمی تواند با تأیید کار مزدی، با تأیید سرمایه به خواست ها و نیازهای واقعی انسانی خویش دست یابد، مبارزه ما برای تحقق هرخواست حتی نازل ترین مطالبات، باید ماهیت شفاف ضد سرمایه داری احراز کند. ضد سرمایه داری مبارزه کردن هیچ رمزآمیز نیست. می توانیم به بیلان محصول اجتماعی کار و تولید سالانه خویش استناد کنیم و فریاد سر دهیم که خواستار اختصاص کل این حاصل کار به معیشت و رفاه و درمان و آموزش و آسایش و رشد متعالی جسمی و فکری خود هستیم. آیا اگر هر چه بیشتر خود را وفادار بقای این نظام سراسر استثمار و جنایت نشان دهیم، طبقه سرمایه دار و دولتش زودتر و آسانتر پذیرای خواست ما می گردد؟! چرا ما باید در نهایت خفت و زبونی تقاضای «حق اعتصاب»، «حق تشکل»، «حق آزادی بیان»، «حق داشتن مطبوعات»، «حق راهپیمائی و اعتراض»، «حق آزادی پوشش» و لیست طولانی این نوع «حقوق» کنیم؟!

پاسخی که احتمالاً خیلی ها به صورت حاضر و آماده دارند اینست که: طبقه سرمایه دار همه چیز دارد، ارتش، سپاه، بسیج، لباس شخصی ها، پلیس، دولت، قدرت اقتصادی، قدرت مذهب و شستشوی مغزی، هر چه قدرت هست در دست سرمایه داران و دولت است. ما مجبوریم به قانون متوسل گردیم، از خواسته های بزرگ دست برداریم، به نازل ترین مطالبات رضایت دهیم. یک راه دیگر هم هست. اینکه رهبرانی به فریاد ما رسند!!، خودشان بر تخت قدرت بنشینند و ما را از شر این همه ظلم و فساد و

گرسنگی رهایی بخشند!! باید خواستار حق قانونی اعتصاب، تشکیل سندیکا و نوع این ها شویم تا زمانی که رهبرانی پا به میدان ظهور بگذارند و ناجی و منجی ما گردند!!

پاسخ ما ضد این است. ما به هیچ وجه محکوم نیستیم که سطح انتظار خود را به حصول مزدهای معوقه و تطابق دستمزد با «نرخ تورم» تنزل دهیم، داشتن بیمه درمانی را کعبه آمال خود پنداریم، طرح طبقه بندی را پیروزی طبقه خود تلقی کنیم، به قانون سرمایه آویزیم، بساط دادخواهی در بارگاه مجلس سرمایه پهن کنیم، از نظام سرمایه داری حق اعتصاب و اعتراض گدانی نمائیم. می توانیم به جای این کارهای خفت بار، همه جا و در تمامی عرصه ها شالوده کار را بر اعمال قدرت شورائی برای تعیین سرنوشت کار و تولید و زندگی خود قرار دهیم.

به جای خواست چند ریال افزایش دستمزد، پرداخت مزدهای معوقه، کاستن از فشار و شدت کار، بیمه درمان، غرامت بیکاری، ایمنی محیط کار، لغو کار کودکان یا هر خواست اقتصادی و رفاهی دیگر، خواستار اختصاص کل حاصل کار و تولید سالانه خود به معیشت، رفاه، رشد، بی نیازی خویش شویم. به جای مطالبه تقلیل ریزگردها، حل مشکل بی آبی، کاهش آلودگی های زیست محیطی، بر سر چشمه پیدایش و زایش اینها در چرخه تولید سرمایه داری انگشت گذاریم و خواهان خشکاندن این سرچشمه ها گردیم. به جای خواهش و تمنا برای کاهش زن ستیزی و بی حقوقی زنان و محو حجاب اجباری، جنبش نیرومند جلوگیری کامل از هر نوع دخالت دولت در زندگی افراد بر پای داریم. به جای گدائی حق تشکل و اعتصاب و آزادی بیان و تظاهرات از سرمایه داران یا دولت آنها، سرفراز و با اقتدار دست به اعتصاب زنیم، شورش سازمان دهیم، چرخه کار و تولید سرمایه را از چرخش باز داریم.

یکی از بنیادی ترین محورهای مبارزه این است که ما اساسا به صورت یک طبقه متحد می توانیم انتظارات و خواسته های خود را بر سرمایه داران و دولت آنها تحمیل کنیم، در قالب کارگران یک کارگاه، کارخانه، بانک، مدرسه، تجارتخانه، شبکه حمل و نقل، برق، آب، مزرعه، بندر و غیره کار زیادی نمی توانیم بکنیم و قادر به تحمیل انتظارات خود بر نظام بردگی مزدی نیستیم. دست در دست هم، وقتی نیشکر سازی هفت تپه را به ورطه تعطیل می رانیم، در همان زمان همزنجیران ما به حمایت از ما، به عنوان بخشی از طبقه ما، چرخ تولید در همه خودروسازی ها را متوقف سازند، مراکز تولید انرژی را از کار اندازند، شبکه حمل و نقل سراسری را تعطیل و ترافیک درون شهری را مختل گردانند، کل مدارس و دانشگاهها را کانون اعتراض کنند، همه اینها امکانپذیر است، طبقه ما همین الان همه جا در حال مبارزه است. آویزان به هیچ تشکل بالای سر خود و رهبران نشویم. برعکس، شوراها و سرمایه داری خود را سازمان دهیم تا هر کارگری بتواند آگاه تر، تواناتر و اثرگذارتر در تعیین راهکارها، حاضر باشد.

موج افسار گسیخته گرانی و فقر



امید خرم / اردیبهشت ۱۴۰۱

بسیاری از کارگران به خاطر نداشتن هزینه دارو و درمان منتظر مرگ می مانند. خیلی از پدران و مادران بازنشسته آگاهانه با فرزندان و نوه هایشان به خیابان و پارک ها نمی آیند مبادا کودکانشان خواستار خرید چیزی شوند که آنها از توانشان خارج باشد. از فقر و نداری گفتن و زبان به شکوه گشودن آنقدر تکراری شده که بیشتر به عجز و لابه می ماند تا بیان واقعیات زندگی کارگران. شرایط معیشتی امروزی طبقه کارگر در ایران آنقدر در جاهای مختلف به آن پرداخته شده که به موضوعی تکراری می ماند. موضوع این است که برای رهایی از این وضعیت چه می بایست کرد؟ چند روز پیش کارگران خوزستانی در اعتراض به گرانی های لجام گسیخته در شهر های استان سر به شورش برداشتند. آیا این شورش های خود جوش ، بدون حمایت بخش های دیگر کارگری از جمله کارگران آموزشی، کارگران شاغل، بازنشسته و بیکار راه به جایی می برد؟ مبارزات کارگران پراکنده است و هر بخش از طبقه کارگر زیر نام فلان شرکت و یا کارخانه و بدون در نظر گرفتن مطالبات طبقاتی، اعتراض و اعتصاب می کند، به قانون سرمایه تمکین می کند و خواستار چند تومان افزایش دستمزد می باشد. هر بخش کارگری ساز خودش را می زند. کارگران هفت تپه از شورش کارگران عاصی حاشیه نشین حرفی نمی زنند. کارگران شهر داری ها از مبارزات کارگران فولاد بی خبرند. بخشی از معلمان هنوز خود را کارگر نمی بینند. تعداد مبارزات، اعتراضات و اعتصاب ها کم نیست، از نظر تعداد و کمیت شاید بی سابقه باشد. اما هیچکدام از این مبارزات به نام طبقه کارگر و بخشی از یک طبقه اجتماعی صورت نگرفته است. تنها موردی که در این بین استثنا محسوب می شود اعتصاب سراسری کارگران پروژۀ ای نفت و پتروشیمی است که خواست حد اقل دستمزد را برای تمام کارگران ایران مطرح کردند و آن هم از طرف دیگر بخش های کارگری مسکوت ماند. اخیراً " شورش هایی علیه گرانی صورت گرفته و انتظار اوجگیری این شورش ها در آینده حتی عظیم تر از آبان و دی ۹۶ و ۹۸ می رود. اما آیا باید نشست و منتظر شورش های خود جوش ماند ؟ برای آنکه این شورش ها سازمان یافته تر و آگاهانه تر با سر بیدار ضد سرمایه داری شکل گیرند،

بیابند و منتج به نتایجی در زندگی کارگران گردند چه باید کرد؟ در خصوص دو قیام طبقه کارگر در آبان و دی ماه می توان گفت فاقد سازمان دهی آگاهانه ضد سرمایه داری بودند و نتوانستند پراتیک ضد سرمایه داری را به درون جنبش ببرند. صنف گرایی، اتحادیه گرایی و سندیکا گرایی را به عقب برانند و جنبش سراسری ضد سرمایه داری پی افکنند. موضوعی که در این بین مهم است چرایی سکوت کارگران شاغل در حمایت از مبارزات کارگران بیکار و بازنشسته است. کارگرانی که از قهر اقتصادی رژیم سرمایه بی نصیب نیستند. اکنون با گرانی هایی که هر ساعت اوج می گیرد آنان نیز در چنگال فقر و مسکنت گرفتارند. سکوت بخشی از طبقه کارگر که دستمزد های بیشتری دریافت می کنند و ظاهراً "امنیت شغلی بیشتری دارند نسبت به مبارزات سایر هم زنجیران خود بسیار آزار دهنده است. آنجا که یک بخش از طبقه کارگر دست به اعصاب می زند و سایر بخش ها، هم طبقه ای های خود را تنها می گذارند. بسیاری از شرکت ها و کارخانه ها درگیر مبارزه هستند. اما در برخی از مراکز تولید رژیم اسلامی سرمایه به محض اینکه کارگران زنگ اعتصاب را به صدا در می آورند با افزایش ناچیزی به دستمزد هایشان از گسترش اعتصاب جلوگیری می کنند. در چند سال گذشته این بخش کارگری به حمایت از کارگران اعتصابی بر نخواستند. آنچه که قابل پیش بینی است موج گرانی های افسار گسیخته و فقر پیش رو، گریبان تمام بخش های کارگری را خواهد گرفت. تنها اتحاد و حمایت و یک دلی تمام بخش های کارگری از یکدیگر و در قالب مبارزات سراسری شورایی است که می تواند سرمایه داری را به هر مقدار عقب راند و به هر میان دستاوردی برای طبقه کارگر داشته باشد.



به یاد رفیق کارگر سلمان یگانه در سیزدهمین سالروز سفر ابدیش



منوچهر / اردیبهشت ۱۴۰۱

شوکا شمیم بهار و غوغای چلچله ها
چهچه ی بلبل و رقص شاپرک ها
ایستاده اند بر مخمل سبز چمن
دست گره دست غنچه ها و شکوفه ها
نسترن و نرگس و شقایق
ارغوان و سرخ گل و بنفشه ها
خورشید با پر توانی گریزان ز پس ابرها
در سایه روشن بلوط ها و سپیدارها
جنگل و کوه و دشت و دریا
زیر گام های پایدار گوزن ها
چرخه ی ذهن سبز جنگل
درنگ خاطره ی جست و خیز شوکا
آن روز در چشم چشمه، در آب و آبگینه
بنشست و بشکست نقش شوکا
در غرش رعد و برق توفان
افراز گشت سرخ پرچم شورا در خون شوکا

رابطه افزایش مزد و قیمت‌ها



(نقل مختصر و به مضمون از کتاب بازخوانی کاپیتال، جلد دوم)

از گمراهه بافی های رایج در جامعه ما، یکی این است که می گویند «با بالا رفتن دستمزدها، حجم بیشتری پول در اختیار کارگران قرار می گیرد، تقاضای کالا از جانب آنان بیشتر می شود و لاجرم قیمت کالاها افزایش می یابد!!»

اینها همه عوامفریبی است و پاسخ آنها به سادگی آنست که با افزایش مزدها، افزایش تقاضا و افزایش قیمت ها، فوراً بخشهایی از سرمایه آزاد، راکد، مشغول سفته بازی یا راضی به سودهای کم، به سرمایه گذاری در تولید مایحتاج معیشتی و محصولات مورد نیاز می پردازند، عرضه می تواند حتی از حد تقاضا بالاتر رود و قیمت‌ها به حال اول برگردند یا حتی پائین تر آیند.

گمراهه بافی رایج دیگر اینگونه می گوید که «با افزایش دستمزدها، سرمایه داران شروع به بالا بردن قیمت کالاها می کنند!!» در جواب باید گفت که اگر سرمایه داران می توانستند فقط به دلخواه خویش، در ماوراء کارکرد قوانین سرمایه و سرمایه داری، به محض افزایش مزدها، قیمت ها را بالا ببرند، قطعاً و یقیناً بدون افزایش مزد هم این کار را انجام می دادند.

این جواب به احتمال زیاد برای کارگران ایران این پرسش را پیش خواهد آورد که اگر سرمایه داران به اراده خود و به طور دلخواه قادر به بالا بردن قیمت ها نیستند، پس چرا ما هر روز شاهد گرانی کالاها هستیم!؟

قیمت بیان پولی ارزش کالا است. ارزش هر کالا با کار اجتماعاً لازم نهفته در آن محاسبه می شود. کار لازم اجتماعی متوسط کاری است که در هر دوره معین با رجوع به سطح بارآوری کار و مؤلفه های اقتصادی دیگر، برای تولید یک فرآورده معین ضروری است. روند تشکیل قیمت‌ها به طور معمول چنین است که تولید کنندگان گوناگون، محصولات تولید شده خود را راهی بازار می کنند. هر واحد از این کالاها با توجه به شرایط تولیدی ویژه حوزه تولیدش، درجه بارآوری کار، ترکیب آلی سرمایه، هزینه بخشهای ثابت و متغیر سرمایه متراکم در کالا، می توانند دارای ارزش منشأً کاملاً متفاوت با هم باشند. اما این کالاها در بازار سرمایه با هم به رقابت می پردازند. رقابت به نوبه خود متأثر از دو فاکتور

تعیین کننده عرضه و تقاضا است. این دو عامل تعیین می کنند که کدام بخش از کل کالاها، بخش تولید شده در حوزه های دارای بالاترین بارآوری کار، بخش دارای حد متوسط یا بخش با پائین ترین میزان بارآوری کار پاسخگوی اصلی نیاز مشتریان هستند؟ متذکر شویم که بحث فقط بر سر کالاهای مصرفی تولید شده نیست، سخن اصلی حول تولیدات اجزاء استوار و گردان سرمایه ثابت است. کل کالاهای تولید شده نهایتا معادل کل ارزش ها یا همان کار اجتماعا لازم متراکم در آنها به فروش می روند اما هر واحد محصولات بر پایه مؤلفه هائی که گفته شد، زیر فشار عرضه و تقاضا به قیمتی فروخته می گردند که قیمت تولیدی نام دارد. قیمت تولیدی حاصل جمع قیمت تمام شده کالا بعلاوه سود متوسط مبتنی بر نرخ عمومی سود است. قیمت این گونه پدید می آید اما آیا همه جا، همیشه، در همه کشورها و در تمامی شرایط چنین است. قطعاً چنین نیست. سرمایه داران و به ویژه دولت سرمایه از راههای مختلف می توانند بر روی پروسه تشکیل و ظهور قیمت ها تأثیر بگذارند. قادرند دست به احتکار زنند، خیل کثیر متقاضیان حیاتی ترین مایحتاج معیشتی کارگران را با کمبود افراطی عرضه مواجه سازند، می توانند دست در دست تمام نهادهای قدرت سرمایه شروع به بالا بردن بهای کالاها کنند و این قیمتها را بر توده کارگر تحمیل نمایند. همه اینها به صورت بسیار ساده، بدون هیچ هزینه قابل انجام است. نکته بنیادی در همه این موارد این است که اولاً، حتی در هر کدام این حالات باز هم صاحبان سرمایه و دولت آنها از همان مجاری و کارکردهای سرشتی سرمایه و سرمایه داری دست به کار افزایش قیمتها می گردند، مثلاً احتکار توازن میان عرضه و تقاضا را بر هم می ریزد یا اقدام همزمان و متحد سرمایه داران در بالا بردن قیمت ها (مستقل از اینکه برنامه ریزی شده باشد یا نباشد) با رجوع به وجود متقاضی کافی برای فروش رفتن محصولات صورت می گیرد. اگر در جهنم سرمایه داری ایران به دنبال هر مقدار افزایش دستمزد کارگران، موج خیره کننده ای از سیر صعودی قیمت ها راه می افتد، علت مستقیم حادثه این است که طبقه سرمایه دار موقعیت زمینگیر، فرسوده و زیبون جنبش کارگری را خوب می داند، احتیاج حاد حیاتی کارگران به خرید ابتدائی ترین ارزاق معیشتی را هم کاملاً متوجه است. با استفاده از این فرصت، متحد و همگام، سبعانه و جنایتکارانه شروع به بالا بردن قیمت ها می کنند.

* این نوشته پیشتر در شماره ۴۶ «علیه سرمایه» منتشر شده بود.

ما عده ای کارگریم، تا چشم باز کرده ایم شاهد استثمار وحشیانه پدران و مادران، همسایگان و اهالی محله کارگرنشین خود و همه کارگران توسط سرمایه داران و سرمایه بوده ایم. با گوشت و پوست و رگ و خون خود لمس نموده ایم که کلیه سرمایه ها و ثروتها توسط طبقه ما تولید می شود و دنیای فقر و فلاکت و سیه روزیها نیز بیش از پیش بر سر طبقه ما آوار می گردد. هر چه بیشتر تولید کرده ایم عمیق تر از وسائل کار و تولید و محصول کار خود جدا شده ایم. هر چه بر قدرت سرمایه افزوده ایم خود فرسوده تر و حقیرتر شده ایم. با چشم باز و با همه وجود مشاهده کرده ایم که دولت، ارتش، قانون، حقوق، اخلاق، فرهنگ، پلیس، دین، مسجد، منبر و همه چیز جامعه موجود متعلق به طبقه سرمایه دار، مدافع سرمایه داری، علیه ما و در خدمت ماندگاری استثمار وحشیانه ما توسط سرمایه است. همه شعور و شناخت و ذهن و فکر و عقل و احساس و ادراک ما با این واقعیتها آمیخته است. ما به حکم کارگر بودن خویش به صورت خودجوش، ضد سرمایه داری و علیه بردگی مزدی هستیم. فلسفه و دانش و تخصص و فضل و ویژه ای هم لازم نیست تا ضدیت با سرمایه رابه ما بیاموزد. ریشه و بنیاد سرمایه ستیزی خودجوش ما در اینجا، در عمق این واقعیتها است. ما گروه، حزب، سازمان، کمیته و هیچ دار و دسته ای نیستیم. اینگونه تشکلهارا که از بالای سر کارگران ساخته می شوند ابزار تبدیل جنبش طبقه ما برای چانه زنی با سرمایه داران و کسب قدرت دولتی می دانیم. این نوع تشکل سازیها حتا اگر با جنجالهای ضد سرمایه و چپ نمایانه همراه باشد، راه و رسمی غیرکارگری است. سازمانیابی طبیعی طبقه ما شورا است. در متن مبارزه شورائی باید با هم به گفتگو بنشینیم، تجارب و آگاهی خود را به هم منتقل کنیم و برای ارتقای رویکرد ضد سرمایه داری خودجوش طبقه خود بکوشیم. ما این نشریه را منتشر نمی کنیم تا مبارزات کارگران راهبری کنیم!! نه فقط چنین ادعایی نداریم که هرگونه مرجع و مقلد و هر میزان تبعیت جنبش کارگری یا توده کارگر از اراده رهبران را فاجعه ای برای این جنبش و انحراف از ریل واقعی پیکار ضد سرمایه داری می دانیم. می خواهیم که این نشریه تربیونی برای اثرگذاری سرمایه ستیز در مبارزه روز ما کارگران باشد. اثرگذاری تعداد هر چه بیشتری از کارگران در تعیین راه و رسم و پیچ و خم مبارزه طبقاتی برای رفع و دفع تعرضات همیشگی سرمایه داران و رهایی نهایی از شر وجود سرمایه داری، هدف انتشار «علیه سرمایه» است.